

افزایش دلیل در آخرین مقطع در مرحله تجدیدنظر (افزایش و تعارض ادله اخباری علیه ادله علمی احراز)

نائب‌علی خلیلی⁻

حسین دهقانی فیروزآبادی⁻

محمد فلاح مهرآبادی⁻

چکیده

نظام ادله اثبات تابع قواعد خاصی است لیکن هر چند افزایش ادله در مقاطع و مراحل دادرسی قابل پذیرش است، ولی بی‌نظمی غیرمتعارف و غیرمنطقی دادخواه در استناد به ادله و اثبات ادعای خود می‌تواند به شدت رفتار وی را در معرض نقض قاعده صداقت قرار دهد. به‌ویژه در جایی که ادله افزایش یافته اخباری (مثل اقرار) و معارض با ادله مقدم احراز (مثل کارشناسی) باشد. در نظام تعارض ادله اثبات و در بحث تعارض‌ها، همواره اظهارات گواه نسبت به نظریه کارشناسی حاکمیت ندارد و وظیفه قاضی در تعارض، قبول فوری حاکمیت گواه نیست بلکه باید نسبت به تحقیق و تعمق بیشتر باتوجه به مجموعه رفتارهای وی در دادرسی تلاش کند، خصوصاً اگر این استناد به ادله در آخرین مقطع در مرحله تجدیدنظر و قبل از ختم دادرسی در مرحله تجدیدنظر باشد.

واژگان کلیدی: افزایش دلیل، تعارض ادله، حسن‌نیت در دادرسی، قاضی فعال، اراضی دولتی، نظریه کارشناسی، گواه

— عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

khalili@ujsas.ac.ir

— دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علم و هنر یزد، یزد، ایران

h.dehghany4250@gmail.com

— قاضی دادگستری و کارشناس ارشد حقوق خصوصی، یزد، ایران

fmehrabadi@gmail.com

مقدمه

یکی از مباحث مهم حقوقی حقوق و تکالیف دادخواهی افزایش ادله است و مسئله دوم این است که اگر ادله افزایش یافته معارض دلیل اولی باشد چه قواعدی حاکم است. خواسته خواهان، ابطال آگهی ملی شدن اراضی توسط حاکمیت است. در این پرونده تکیه گاه بحث ادله اثبات، نظریات متعدد کارشناسان رسمی دادگستری با هیئت‌های مختلف در رشته کشاورزی و تفسیر عکس‌های هوایی است که براساس عکس‌های هوایی و سایر قراین علمی، اکثریت کارشناسان معتقدند که ملک فاقد سابقه احیا است و در مرحله بدوی به استناد این ادله حکم بر بطلان دعوی صادر می‌گردد. پس از تجدیدنظرخواهی در محکمه تجدیدنظر، اعتراض‌ها به نظریه کارشناسی ادامه می‌یابد که اکثریت کارشناسان تا هیئت یازده نفره معتقدند، ملک فاقد سابقه احیا است و البته عده‌ای کم از کارشناسان، در موافقت بودن آن اراضی تشکیک کرده‌اند. سپس دادگاه با توجه به افزایش ادله اثبات دادخواه و استناد به اظهارات گواهان در لحظه آخر، با قبول افزایش ادله اثبات، قرار استماع اظهارات گواهان را صادر می‌نماید و با استناد به اظهارات آن‌ها که گفته‌اند کشت و زرع را به یاد دارند و با نقض رأی بدوی حکم به احیاء اراضی علیه دولت داده می‌شود. از این‌رو دو مسئله اساسی در این موضوع قابل طرح است: اولاً این‌که آیا در مرحله تجدیدنظر، افزایش دلیل با توجه به اظهارات گواه قابل توجه و اعمال است یا خیر؟ ثانیاً اینکه در تعارض نظریه کارشناسی با اظهارات گواه کدامیک برتر است؟ سوالاتی که همواره در رسیدگی‌های قضایی مورد چالش است. در این مقاله ابتدا بحث افزایش ادله در مرحله تجدیدنظر بحث می‌شود و سپس تعارض ادله خواهد آمد.

مشخصات رأی بدوی

شماره دادنامه: ۹۷۰۹۹۷۰۳۰۱۷۰۰۷۲۸

تاریخ: ۱۳۹۷.۰۵.۰۶

خواهان: آقایان م.ش. و ح.ش. فرزندان الف و خانم ث.ا.م

خوانده: اداره راه و شهر سازی یزد

خواسته: اداره راه و شهر سازی یزد

مرجع رسیدگی: شعبه ۹ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یزد

«درخصوص دادخواست آقایان آقایان م.ش. و ح.ش. فرزندان الف و خانم ث.ا.م به طرفیت اداره راه و شهر سازی یزد به خواسته اعتراض به آگهی تشخیص شماره شماره ۴۷۰۴ مورخ ۱۳۵۳.۰۹.۰۲ منابع طبیعی مبنی بر ملی اعلام شدن میزان ۱۰۰۰۰ متر مربع زمین ایشان واقع در *** که خواهان توضیح داده ملک ایشان سابقه تصرف و احیاء قدیمی داشته و در اجرای آگهی فوق ملی اعلام شده حالیه ضمن اعتراض به این آگهی تقاضای ابطال آن در قسمت مورد تصرف و مالکیت خود را نموده است دادگاه با عنایت به نظریه هیئت کارشناسان رسمی دادگستری مبنی برآن که زمین ادعایی خواهان با مختصات مکانی ۳۵۶۸۰۹ و ۲۴۷۰۴۸ فاقد سابقه احیاء قبل از سال ۱۳۴۱ به عنوان سال مرجع تشخیص اراضی ملی بوده که این نظریه مورد اعتراض خواهان قرار گرفته لیکن دلیل موجهی در رد نظریه مذکور ارائه نداده است و نظریه مذکور با اوضاع و احوال قضیه نیز هم خوانی دارد نتیجتاً دعوی مطروحه ثابت نبوده و به استناد ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می گردد. همچنین در خصوص دادخواست خواهان به طرفین اداره منابع طبیعی یزد به خواسته فوق الذکر با توجه به این که زمین موضوع خواسته در حوزه عملکرد اداره راه و شهر سازی قرار دارد لذا دعوی حاضر را متوجه اداره منابع طبیعی ندانسته و به استناد ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد آن صادر و اعلام می گردد. این رأی حضوری بوده و ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان یزد می باشد.»

شعبه ۹ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یزد

مشخصات رأی تجدیدنظر

شماره دادنامه: ۹۹۰۹۹۷۰۳۰۲۱۰۰۶۵۶

تاریخ: ۱۳۹۹۰۵۰۸

تجدیدنظرخواهان: آقایان م.ش. و ح.ش. فرزندان الف و خانم ث.ا.م

تجدیدنظرخوانده: اداره راه و شهرسازی یزد

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان یزد

«با استعانت از خداوند متعال - در خصوص تجدیدنظرخواهی آقایان م.ش. و ح.ش. فرزندان الف و خانم ث.ا.م با وکالت ابتدائی آقای س.ا.ن.ک. که بعداً مشارالیه عزل و آقایان م.ی. و ع.ا.ر.ب. وکالت تجدیدنظرخواه را بر عهده گرفته‌اند به طرفیت اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان یزد و اداره کل راه و شهرسازی استان یزد با نمایندگی آقای م.ر.م. نسبت به دادنامه شماره ۰۷۲۸/۹۷ مورخ ۱۳۹۷۰۵۰۶ شعبه محترم نهم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یزد که به موجب آن حکم بر بطلان دعوی خواهان‌ها به خواسته اعتراض به آگهی تشخیص شماره ۴۷۰۴ مورخ ۱۳۵۳۰۹۰۲ مبنی بر ملی اعلام شدن میزان ده هزار متر مربع ملک موضوع دعوی واقع در جنب میدان مدرسی یزد تحت پلاک ثبتی ۱۰۵ فرعی از ۵۹۳۸ اصلی بخش ۴ یزد صادر گردیده است و دعوی به طرفیت اداره کل منابع طبیعی بدلیل این‌که در حوزه عملکرد آن اداره نمی‌باشد رد گردیده است بدو در خصوص قرار رد دعوی نظر به این‌که از ناحیه معترضین ایراد و اعتراض موثری که موجبات نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را در این قسمت فراهم آورد بعمل نیامده است و قرار صادره منطبق با موازین قانونی صادر گردیده است لذا هیئت دادگاه به استناد ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ضمن رد تجدیدنظرخواهی دادنامه نخستین را در این قسمت تأیید و استوار می‌نماید. اما در خصوص آن قسمت از دادنامه نخستین که منتهی به صدور حکم بر بطلان دعوی خواهان‌های نخستین گردیده است نظر به این‌که ۱- خواهان‌ها به دلالت گواهی حصر وراثت مضبوط در صفحه ۷ پرونده مورثین مالک رسمی ملک موضوع دعوی می‌باشند که در مورخ ۱۳۶۲/۰۶/۲۴ ملک به‌صورت رسمی به مورث ایشان منتقل گردیده است ۲- کلیه کارشناسان در پرونده متفقاً ملک موضوع دعوی را مشمول اراضی ملی و مرتعی ندانسته‌اند ۳- در

جلسه اخذ توضیح از هیئت ۱۱ نفره کارشناسان که در مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ تشکیل گردیده است اکثریت قریب به اتفاق ایشان عنوان نموده‌اند که پایه و اساس نظریه ایشان در خصوص فقدان سابقه احیا عکس‌های هوایی بوده است اما ملک موضوع دعوی امکان شرب از چاه مجیدیه را داشته است و در بررسی پروفیل خاک اراضی در محل گودبرداری شده در حاشیه زمین مورد دعوی لایه‌های سخت گچی و نمکی ملاحظه نگردیده است و در نهایت اکثریت یاد شده اعلام نموده‌اند که اتخاذ تصمیم در خصوص سابقه احیا با عنایت به پارامترهای معرفی شده از ناحیه کارشناسان با هیئت قضایی شعبه است ۴- احد از کارشناسان در جلسه دادرسی یاد شده به صراحت اعلام نموده اشخاصی در دفترخانه (مشارالیه سر دفتر اسناد رسمی است که دفترخانه ایشان در نزدیکی محل وقوع ملک است) به ایشان مراجعه نموده‌اند که معمرین محلی بوده‌اند و در خصوص سابقه کشت و کار ملک مطالبی عنوان نموده‌اند که وی به این نتیجه رسیده است باید شفاف‌تر می‌نوشته است و با عکس هوایی نمی‌شود قسم خورد که ملک فاقد سابقه احیاست ۵- کارشناس دیگری از هیئت یازده نفره در جلسه دادرسی اخذ توضیح عنوان نموده سوابق تحجیر و تصرف (که اکثریت هیات کارشناسان در هیئت‌های مختلف آن را پذیرفته‌اند) می‌تواند دلیل بر سابقه احیا باشد ۶- در نظریه کارشناسی هیئت ۱۱ نفره به عکس‌های هوایی اشاره گردیده است که در نزدیک‌ترین سال، مربوط به سال ۴۳ می‌باشد، در حالی که خواهان‌ها مدعی سابقه احیا در سال‌های ۳۵ تا ۴۱ می‌باشند ۷- کارشناسی که در جلسه اخذ توضیح به نمایندگی از سایر ایشان صحبت می‌نمود به صراحت اعلام نموده است که ما بر اساس عکس‌های هوایی نظر دادیم و این موضوع که ملک قابلیت شرب از محل چاه مجیدیه داشته و لایه‌های گچی نمکی نداشته است امکان احیا را تقویت می‌نماید و عکس هوایی ۳۰ تا ۴۰ در صد راهگشا است اساساً شاید بتوان گفت که وظیفه کارشناس صرفاً تبیین ضوابط فنی موضوع است که امری تخصصی و خارج از معلومات مقام قضایی است اما نتیجه‌گیری در حیطه صلاحیت دادگاه است و با این وصف مفاد نظر کارشناسان بدون لحاظ عکس هوایی و از لحاظ فنی مبتنی بر آن است که لایه‌های سخت گچی و نمکی در اراضی وجود ندارد و امکان شرب اراضی از محل چاه مجیدیه وجود داشته و سابقه تحجیر و تصرف نیز مشهود است که به صراحت نشان از سابقه احیا اراضی موصوف دارد

۸- شهود تعرفه شده از ناحیه تجدیدنظرخواهان‌ها که همگی مسن و از معمرین محلی می‌باشند به صراحت و با وحدت مفاد شهادت، گواهی داده‌اند که ملک موضوع دعوی در سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ مورد کشت کدو و چغندر قرار می‌گرفته است و خود ایشان به عینه شاهد این موضوع بوده‌اند و حتی در مواردی از همان ملک چغندر هم خریده‌اند ۹- احد از شهود آقای ه. توسط اداره تجدیدنظرخوانده جرح گردیده است با این عنوان که مشارالیه دعوای مطرح با آن اداره دارد اما در دعوای اعتراض ثالثی که شاهد یاد شده به طرفیت اداره راه و شهرسازی و اشخاص دیگری مطرح نموده است صرف‌نظر از این‌که در موضوع مطروحه دعوا مسترد و قرار صادره شده است معارض واقعی ایشان اداره تجدیدنظر خوانده نبوده است و بر فرض پذیرش اعتراض ثالث رأی صادره می‌توانست به نفع اداره موصوف تلقی شود ۱۰- سابقاً هیئت‌های ۳ و ۷ نفره نظریه خود را در خصوص سابقه احیا ملک موضوع دعوی به صراحت اعلام نموده بودند و با عنایت به جلسه اخذ توضیح از هیئت یازده نفره و مطالب عنوان شده توسط ایشان که در فوق منعکس گردیده است به نظر این مرجع، نظریه هیئت‌های یاد شده با سایر اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه در انطباق بیشتری می‌باشد و به دلالت ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی نظریه سایر کارشناسان به دلیل یاد شده قابل ترتیب اثر نخواهد بود النهایه در بررسی ارزش دلایل طرفین واضح و مبرهن است که در میان اماره قضایی ناشی از عکس‌های هوایی و اماره قضایی ناشی از سایر پارامترها فنی که در سطور فوق ذکر گردید شهادت شهود بعنوان دلیلی شرعی موید اماره قضایی دوم بوده و افاده علم بر سابقه احیاء ملک در سال‌های قبل از سال مرجع (۱۳۴۱) دارد و مستنداتی که حکایت از احیا دارد در مقابل مستنداتی که حکایت از عدم سابقه احیا دارد از استحکام بیشتری برخوردار است فلذا نظر به این‌که دادنامه تجدیدنظرخواسته که بر خلاف مبانی استدلالی فوق صادر گردیده است مخدوش بوده و در خور نقض می‌باشد هیئت دادگاه به استناد مواد ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۴۸، ۲۶۵ و ۳۵۸ از قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ از قانون مدنی و تبصره یک ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته در قسمت صدور حکم بر بطلان دعوی حکم بر پذیرش اعتراض و بطلان قسمتی از آگهی تشخیص شماره ۴۷۰۴ مورخ ۲۹/۱/۱۳۵۳ منابع

طبیعی در خصوص پلاک ثبتی ۱۰۵ فرعی از ۵۹۳۸ اصلی بخش ۴ یزد بر اساس کروکی کارشناسی مضبوط در پرونده به لحاظ احراز سابقه احیا ملک موصوف قبل از ۲۷/۱۰/۱۳۴۱ صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره قطعی است.»

شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان یزد

مشخصات رأی دیوان عالی کشور

شماره دادنامه: ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۳۱۳۵۰۶

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳

متقاضی: اداره راه و شهرسازی استان یزد

خواسته: درخواست اعاده دادرسی نسبت به دادنامه شماره ۱۰۰۶۵۶ - ۹۹۵۸ صادره

از شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان یزد

مرجع رسیدگی: شعبه دوم دیوان عالی کشور

«در مورد تقاضای اعاده دادرسی فوق‌العاده اداره محترم راه و شهرسازی استان یزد نسبت به دادنامه شماره ۱۰۰۶۵۶-۸/۵/۹۹ صادره از شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان یزد، نظر به این که اولاً اکثریت کارشناسان منتخب دادگاه بدوی و تجدیدنظر اراضی موردنظر خواهان‌ها را فاقد آثار کشاورزی در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۵ و ۱۳۴۱ اعلام کرده‌اند ثانیاً قضات محترم دادگستری استان یزد رئیس کل محترم این استان و نیز قضات محترم معاونت قضایی با تشریح چگونگی وضعیت پلاک ۱۰۵ فرعی از ۵۹۳۸ اصلی بخش ۴ یزد آن را قبل از سال ۱۳۴۱ فاقد آثار کشت‌وزرع دانسته و معاون محترم قضایی قوه قضاییه نیز طی مشروح‌ای به شماره ۱۶۷۶/۱۸/۰۰ و تاریخ ۲۳/۱/۱۴۰۱ با اعلام این که ادعای کشت محصولاتی چون خیار و بادمجان و گوجه را در آن مقطع زمانی در محدوده یک هکتار زمین صحیح تشخیص نداده و با تجویز اعاده دادرسی از طرف مقام محترم رئیس قوه قضاییه، مستند به ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری با نقض دادنامه شماره ۱۰۰۶۵۶-۸/۵/۱۳۹۹ صادره از شعبه اول دادگاه تجدیدنظر رأی بر تأیید دادنامه شماره ۷۲۸ تاریخ ۶/۵/۹۷ صادره از شعبه نهم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یزد صادر می‌شود.»

شعبه دوم دیوان عالی کشور

۱. افزایش ادله در مرحله تجدیدنظرخواهی

به موجب بند ۶ ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان باید ادله و وسایل اثبات خود را در دادخواست قید نماید و پس از مقطع تقدیم دادخواست، پذیرش ادله از خواهان مقید به شرایطی است؛ مثل این که در پاسخ به ادعای خوانده ضرورت داشته باشد (ماده ۹۷ همان قانون)، پذیرش افزایش دلیل خارج از مهلت ها و مقاطع تعیین شده موجب انحراف در دادرسی می شود (شمس، ۱۳۸۱: ۵۴). علی رغم سکوت قانون، هر چند ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر پذیرفته نیست ولی، این ممنوعیت، شامل دلیل جدید نیست و رویه قضایی برای این موضوع، اصل اباحه را جاری کرده است (رأی اصراری شماره ۲۷۸۸ مورخ ۱۳۳۹/۰۹/۱۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور - اگر دعوی خواهان در مرحله بدوی (از لحاظ این که در قبال ادعای جعلیت از طرف خوانده موفق به ابراز سند نگردیده) رد شود جبران این امر در مرحله پژوهشی بی اشکال است و از طرف دادگاه پژوهشی بایستی این تکلیف به (ابراز اصل سند) به خواهان بشود). در امور حقوقی ادله درجه ارزشی متفاوت دارد و از لحاظ هزینه اقتصادی، میزان اثربخشی در قاضی و میزان اقناع کنندگی افکار عمومی و اصحاب دعوی متفاوت است. بررسی اظهارات گواه نسبت به کارشناس کم هزینه تر و ساده تر و سریع تر است و معمولاً «یک دادخواه با حسن نیت» در ترتیب نمایش و تمسک به ادله، گواه را مقدم بر می شمارد و به نظریه کارشناسی، مؤخراً استناد می شود. عقلاً و عرفاً در دفاع، این موضوع مورد توجه اکثر اصحاب دعوی است و تغییر عالمانه این قاعده، حسن نیت در دادرسی را متزلزل می کند و شخص مرتکب را در معرض اتهام و تشکیک در صحت صداقت قرار می دهد. در این پرونده چنین بی نظمی در ادعا و دفاع به چشم می خورد. هر چند از صراحت قانون، منع استنباط نمی شود ولی این بی نظمی و انتخاب ادله دشوار (احراز) در مقابل ادله آسان (اخباری) یک قرینه بر نقض اصل حسن نیت در دادرسی می توان تلقی کرد (دهقانی، ۱۳۹۹: ۹۳). حسن نیت در مقررات شکلی اقتضا دارد که همبستگی در نظام ادله اثبات و ترتیب در نمایش ادله حفظ شود و از بی نظمی در دفاع ها که موجب تداخل و لغو و عبث شدن عملیات های قضایی است، خودداری شود. دادخواه با حسن نیت، اگر گواه در دسترس دارد، می تواند

ساده‌تر و سریع‌تر و ارزان‌تر اثبات ادعا کند و هرگز خود را وارد عرصه تقاضای کارشناسی نمی‌کند، همچنین استناد به گواه در مرحله تجدیدنظر و پس از اخذ نظریه هیئت یازده نفره و در آخرین لحظه دادرسی مناسب نیست.

۲. تعارض ادله اثبات دعوا

در خصوص تعارض ادله علمی با ادله غیرعلمی (اخباری) نیز قانون سکوت دارد. کارشناسی یک نظریه علمی است که البته در این پرونده با توجه به اینکه متکی به عکس‌های هوایی است جالب‌تر است. از لحاظ ماهیت، نظریه کارشناس اعتبارش در حد اماره است ولی در رویه قضایی برخی از قضات معتقدند که در خصوص عکس‌های هوایی، از لحاظ قانون اعتبار سند رسمی به آن داده است و دلیل محسوب می‌شود و بالاتر از اماره است. ماده ۴۵ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ مقرر داشته است که: «اصلاحات زیر در تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۹) و ماده (۳۲) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۳ صورت می‌گیرد: ۱- ... عبارت «عکس‌های هوایی سال ۱۳۴۶ نیز جزء مستندات قابل قبول محسوب می‌شود» به انتهای تبصره اضافه می‌شود.» لذا این نظریه‌های کارشناسی براساس عکس‌های هوایی، از حد اماره بالاتر است و به دلیل نزدیک‌تر است و نمی‌توان گفت که گواه، دلیل به معنای خاص است و بر نظریه کارشناسی (اماره) حاکم است.

در سال ۱۳۹۲ و در ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی برای اولین بار، نگاه قانون‌گذار در خصوص این تعارض شفاف‌تر شده و مقرر کرده است که: «در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد. هرگاه قرائن و امارات بر خلاف مفاد شهادت شرعی باشد، دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و در صورتی که به خلاف واقع بودن شهادت علم حاصل کند، شهادت معتبر نیست.» به تعبیری صرف تجمیع شرایط شهادت برای قبول ادعا و صدور حکم به نفع خواهان کافی نیست بلکه موانع هم باید مفقود باشد و از جمله موانع امارات خلاف اظهارات گواهان است. قانون‌گذار خواسته است که اگر گواه در مقابل نظریه کارشناسی علمی و عقلی قرار گرفت سریع و ساده و به قاعده "حاکمیت دلیل بر اماره" استناد نشود و نگاه دقیق‌تر شود و با توجه به اختیارات قضایی و به استناد

ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، تحقیقات دیگر ادامه پیدا کند. خطر اظهارات غیر جامع در شهادت، همواره دغدغه قانون‌گذار است. اگر تا قبل از انقلاب، نگاه یک‌جانبه و عدم قابلیت اثبات دعوا با ادله گواه "یک احتیاط افراطی" برای جلوگیری از تبانی‌ها و فسادها بود، پس از انقلاب حذف مواد ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ قانون مدنی و مشروعیت‌زدایی از ماده ۱۳۰۹ قانون مذکور به موجب نظریه شماره ۱۲۷۳۴-۱۳۶۷/۸/۲۴ شورای نگهبان، خود تفریط دیگری بود. این جریان تا سال ۱۳۹۲ ادامه داشت که نتیجه آن افزایش فسادها و تبانی‌ها در دادرسی‌ها بود. نگاه احتیاط‌آمیز و معتدل قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ را باید تحسین کرد و می‌توان گفت که اولاً در خصوص گواه، قاضی باید به جامعیت شرایط توجه کند و در صورت فقدان آن، در حد اماره، تلقی و قبول نماید و نه بیشتر و ثانیاً حتی اگر گواه جامعیت داشت و اظهارات وی در تعارض با امارات قوی به ویژه نظریه کارشناسی بود، تحقیقات باید ادامه پیدا کند.

امارات قضایی متعدد هستند. در مورد نظریه کارشناسی هر چند عده‌ای آن را در حد دلیل تلقی کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۳۳)، ولی اگر آن نظریه را نپذیریم، یک اماره قضایی عادی و کم‌ارزش هم نیست. کارشناس واقعیتهای علمی را تشریح می‌کند و مثلاً براساس ادله مختلف مثل نوع منطقه، تحقیقات محلی، عکس‌های هوایی، وضعیت تاریخی اراضی کشاورزی و غیره اعلام می‌کند که امکان کشت‌وکار در محل به جهت فقدان منبع آبی نبوده است و اظهارات گواه معارض را در چالش جدی قرار می‌دهد. همیشه اظهارات گواه، مقدم و حاکم بر نظریه کارشناسی نیست. برای تحقق تعارض بین ادله مذکور، باید هر دو موضوع دعوا، واجد قدرت اثبات باشند و الا تحقق تعارض منتفی است. در برخی از موضوعات که غیرقابل رویت هستند و جنبه تخصصی و فنی دارند و با حواس قابل استنباط نیست، نمی‌توان به اظهارات گواه استناد کرد. کارشناس می‌تواند از نظر گواه استفاده نماید ولی اظهارات گواه نمی‌تواند ایجاد معارضه مستقل با نظر کارشناسی کند. ارزش اظهارات گواه با دادگاه است و در این موارد تحمیل ادله نمی‌شود (عمروانی، ۱۳۹۶: ۱۵۹).

بدین لحاظ است که شعبه دوم دیوان عالی کشور در مقام نقض رأی شعبه یکم دادگاه تجدیدنظر یزد اعلام می‌نماید که «... نظر به این‌که اولاً اکثریت کارشناسان منتخب دادگاه بدوی و تجدیدنظر اراضی موردنظر خواهان‌ها را فاقد آثار کشاورزی در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۵ و ۱۳۴۱ اعلام کرده‌اند ثانیاً قضات محترم دادگستری استان یزد و رئیس کل محترم این استان و نیز قضات محترم معاونت قضایی با تشریح چگونگی وضعیت پلاک ۱۰۵ فرعی از ۵۹۳۸ اصلی بخش ۴ یزد آن را قبل از سال ۱۳۴۱ فاقد آثار کشت و زرع دانسته و معاون محترم قضایی قوه قضاییه نیز طی مشروح‌های به شماره ۱۶۷۶/۱۸/۰۰ و تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ با اعلام این‌که ادعای کشت محصولات چوب خیار و بادمجان و گوجه را در آن مقطع زمانی در محدوده یک هکتار زمین صحیح تشخیص نداده و با تجویز اعاده دادرسی از طرف مقام محترم رئیس قوه قضاییه، مستند به ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری با نقض دادنامه شماره ۱۰۰۶۵۶-۱۳۹۹/۰۵/۰۸ صادره از شعبه اول دادگاه تجدیدنظر، رأی بر تأیید دادنامه شماره ۷۲۸ تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۶ صادره از شعبه نهم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یزد صادر می‌شود.» هرچند رأی دیوان، بر اساس مقررات و از جمله ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی مستندسازی و مستدل نشده و بر آن نقد وارد است ولی نتیجه آن رأی قابل تأیید است. گویا دیوان در این مقوله تعارض در ادله را مستقر ندانسته و ملی بودن اراضی که مستند به ادله احراز کارشناسی متعدد است را تأیید نموده است. در حقوق آمریکا کارشناسی نوعی گواه ویژه است، در حقوق فرانسه نیز کارشناسی درجات مختلف دارد. روشن نمودن موضوع، مشورت و انجام کارشناسی، تحلیل‌های جدید از کارشناسی در راستای تقویت جایگاه علم و فن در جهت تحقق عدالت است (محسنی، ۱۴۰۱: ۱۵۵)

نتیجه‌گیری

رفتار دادخواه در اثبات ادعای خود بر خلاف نظم منطقی و متعارف و از جمله اولویت در تمسک به ادله اثبات ساده، سریع و ارزان، به شدت صداقت وی را در معرض تضییع قرار می‌دهد. در همه دعاوی به‌ویژه حسن‌نیت در دادرسی یکی از اصول مهمی است که در آن اصحاب دعوی باید اولاً صداقت داشته باشند و با حيله نقض مقررات آمره نکنند و ثانیاً همکاری مثبت و صادقانه در راستای دادرسی فعال

داشته باشند و مرتکب ترک فعل نشوند. در دعاوی مرتبط با بیت‌المال، قاضی نباید خنثی و منفعل باشد، از اختیارات ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی باید استفاده نمود و با دقت و جامع‌تر، قواعد اثبات دعوی را اعمال کرد. افزایش ادله ناگهانی و در آخرین مقطع دادرسی، نمی‌توان رفتار باحسن‌نیت تلقی کرد، در بحث تعارض دلیل گواه با کارشناس، اظهارات گواه جایگاه کمتری دارد. گواه وقتی به قاضی تحمیل می‌شود که علم بر خلاف آن نباشد. نظریه کارشناسی مستدل و منطقی یک اماره علم آور قوی است و می‌تواند اقناع قضایی بیشتری در قاضی ایجاد کند. وظیفه قاضی پویایی بیشتر و تحقیق درکشف حقایق است و تحول در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ را باید ستود و البته برای تکامل آن تلاش کرد.



فهرست منابع

- دهقانی، حسین (۱۳۹۹)، **حسن نیت در دادرسی مدنی**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- عمروانی، رحمان (۱۳۹۶)، **تعارض ادله اثبات دعوا (در امور حقوقی)**، تهران، چتر دانش.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۱)، **آیین دادرسی مدنی**، جلد ۲، تهران، انتشارات دراک
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، **اثبات و دلیل اثبات**، تهران، میزان.
- محسنی، حسن (۱۴۰۱)، **بهره کارشناسی در کاربست و نمایاندن دانش سودمند در اثبات (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه)**، **مجله مطالعات حقوقی معاصر**، سال سیزدهم.

